

آهسته اما استوار!

مظفر محمدی



طبقه کارگر ایران، امروز در آستانه ی تحولی انقلابی و خیزش طبقاتی قرار گرفته است. کارگران تا به امروز هزاران فقره اعتراض، تجمع، تحصن و اعتصاب را پشت سر دارند. طبقه کارگر یک دوره شوراهای کارگری زمان قیام را در تجربه ی خود دارد. ... صفحه ۳

روندی که در خاورمیانه در جریان است

(به بهانه دیپلوماسی فعال عراق در منطقه)

محمد فتاحی



نه ماه بعد از انتخابات سراسری در عراق، بورژوازی این کشور ناتوان از معرفی دولت به جامعه است. آخرین تلاش هفته گذشته برای انتخاب نخست وزیر، با حمله هواداران صدر به پارلمان این کشور، برای چندمین بار عملاً به بن بست رسیده است. جالب این است که بعد از هر دور شکست برای تشکیل دولت جدید، مقامات این کشور، به جای معالجه درد خویش، چند دور دیپلوماسی پرشور در منطقه را در دستور خویش می گذارند. دیپلوماسی عراق در نقش میانجی میان عربستان و جمهوری اسلامی و سازماندهی ملاقات های متعدد با هم از یک طرف، و کوشش برای ایجاد یک رابطه نرمال با مصر، اردن، امارات و... با جمهوری اسلامی، از این جمله اند. ... صفحه ۴

این فاجعه غیر قابل کنترل نبود!

(در مورد سیل در شهرستان استهبان)

حزب حکمتیست (خط رسمی) ... صفحه ۴

این جنگ مقدس است!



خالد حاج محمدی

«ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، می جنگیم می جنگیم»، یکی از شعارهای اصلی کارگران گروه ملی فولاد اهواز در تجمعات اخیر است. کارگران فولاد در دوره اخیر، تاریخی از اعتراض و مبارزه، از اعتصاب و تجمعات مختلف در فولاد، در مقابل ادارات دولتی و از جمله استانداری خوزستان را در پرونده خود دارند. کارگران در این دوره و خصوصاً در پنج سال گذشته همه راههای ممکن از نامه نگاری به مقامات و ارگانهای حکومتی، شکایات از بی حقوقی خود و علیه کارفرما و مقامات محلی و اجافاتی که علیه آنها اعمال شده در نزد مقامات بالای جمهوری اسلامی از بیت رهبری تا دولت و مجلس و قوه قضائیه را آزمایش کرده اند. سرانجام کارگران فولاد به بی نتیجه بودن این مسیر و متکی شدن به نیروی خود روی آوردند. اعتصابات وسیع کارگران فولاد، تجمعات بزرگ و کوچک آنها، سخنرانی فعالین و نمایندگان آنها، باز کردن فضا برای هر کارگری که سخنی برای گفتن به همکاران خود داشته و برگزاری مجامع عمومی کارگری در این دوره و متکی شدن به تصمیمات جمعی، از جمله تجارب کارگران فولاد است.

اکنون نیز کارگران فولاد بعد از بارها مراجعه به مقامات حکومتی و اعلام خواست و مطالبات خود، نهایتاً چیزی جز مشتی قول و قرار و وعده سرخرمن و حرف مفت، نصیب کارگران نشد. اما این کل ماجرا نیست و همزمان کارفرما و مقامات حکومت از تهدید و ارباب، توطئه و دسیسه های مشتک، توطئه حراست علیه اعتراضات کارگری و اخراج عملی تعدادی از کارگران معترض، «کسر ۲۰ ساعت اضافه کار از اشخاص شرکت کننده در اعتراضات کارگری» کوتاهی نکردند. علاوه بر این عده ای از مقامات کارفرمایی و مهره های حاکمیت پا را از این هم درازتر و تلاش کردند با بهانه های واهی شورای اسلامی در فولاد را زنده و به کارگران تحمیل کنند. کارگران علیه این تعرضات بیشرمانه در یک هفته گذشته بارها در مقابل استاندای خوزستان تجمع کرده اند و این تجمعات هنوز ادامه دارد. کارگران تاکید کرده اند که تا تحقق مطالبات خود به هیچ قیمتی کوتاه نمی آیند. کارگران فولاد از جمله خواهان، «راه اندازی خطوط تولید، باز کردن کارت تردد همکاران، پرداخت حق بدی آب و هوا و بعلاوه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل» هستند. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

همچنانکه در تجربه طولانی کارگرن فولاد نمایان است و امروز در تجمعات و سخنرانی کارگران و نمایندگان آنان تاکید میشود، طبقه کارگر و از جمله کارگران فولاد برای بیرون کشیدن سهم کوچکی از محصول کار خود از حلقوم کارفرمایان و دولتشان، در سراسر ایران در جنگ است. این جنگ اگر از جانب بورژوازی و حکومتش بوی خون و جنایت و توحش عریان میدهد، از طرف طبقه کارگر و در مقابل این بربریت، جنگی مقدس برای رهایی، برابری، رفاه، امنیت، سعادت، بازگرداندن حرمت به این طبقه، است. این جنگ از جانب حاکمیت، جنگی برای به تسلیم کشاندن طبقه ای به زندگی برده وار، به گرسنگی و تباهی جسم و روح خانواده و کودکان اش است. جنگی به قیمت زیر پا گذاشتن حرمت و کرامت کارگر در خدمت سود بیش و بیش تر طبقه سرمایه دار و حکومتش است. کارگران فولاد تصمیم گرفته اند بجنگند و بی حرمتی و تسلیم و استیصال و گرسنگی را تحمل نکنند و پیروز شوند. این تصمیم و تلاش کارگران فولاد قابل احترام، ارزشمند و مورد دفاع همه بخشهای طبقه کارگر و همه مردم محروم و آزادیخواه به وسعت ایران است. این تصمیم تنها راه حفظ حرمت و کرامت انسانی و تامین نان شب خانواده کارگری است. طبقه کارگر برای تامین یک زندگی شرافتمندانه هیچ راهی جز جنگیدن و تلاش متحد علیه جهنمی که نامش را زندگی گذاشته اند و عده ای مولتی میلیاردر سرنوشت یک طبقه چند ده میلیونی از نیروی کار و صاحبان واقعی جامعه را رقم میزند، نیست. این جنگ باید به نفع طبقه کارگر تمام شود!

پیروزی در این جنگ در گرو اتحاد و عزم توده کارگران به صورت پیروزی این جنگ است، چیزی که بورژوازی ایران و حکومتش هیچ توهمی در مورد آن ندارند. چیزی که بارها در اعتصابات و تجمعات کارگران در بسیاری از مراکز از جمله فولاد تاکید شده است. ما در این جنگ هیچ و مطلقاً هیچ منفعت مشترکی با حاکمیت از خامنه ای و بیتش، تا دولت و مجلس و قوه قضائیه، تا همه کدخدایان خودگمارده ریز و درشت آن از آخوند محل تا بالاترین مقامات مذهبی و... نداریم. عدم توهم و آگاهی کامل به این حقیقت و به این دشمنی طبقاتی است که خامنه ای و روسای بلند بالای حکومت را به صحنه رانده است تا از نیروهای خود بخوانند دست به ماشه در این جنگ شرکت کنند و ما را شکست دهند. ما هم نیاز به تامین این بی توهمی در صف خود داریم و این بزرگترین ابزار توفیق ما در این جنگ است. ما راهی نداریم جز زدودن همه ابهامات، تردیدها و توهمات، انشقاقات و خرافات در صفوف خود و ایجاد اتحاد حول نیاز خود برای تامین زندگی و به این اعتبار پیروزی در این جنگ.

حاکمیت توان ایستادن در مقابل ما را ندارد اگر نیروی ما بی توهم باشد، اگر نیروی ما به این قناعت برسد که این جنگ واقعی ما و تنها راه بقا و تامین زندگی شرافتمندانه و رفاه است. ما باید بدانیم که صف ما و طبقه ما در مقابل بورژوازی و حکومتش، مستقل از اینکه چه رنگی داریم، با چه زبانی تکلم میکنیم و کجای این کره خاکی متولد شده ایم و به چه مذهب و ملیتی ما را منتسب میکنند و جنسیت ما چیست، همگی به یک خانواده بزرگ کارگری با منافع و سرنوشت مشترک تعلق داریم.

تجربه اعتصابات تا کنونی در ایران و تجربه کارگران فولاد و هفت تپه که یک دوره مبارزات ارزشمند و متحد را در کنار هم پیش بردند، نشان داد و ثابت کرد که نمیتوان منتظر اجازه دولت و کارفرما برای حق تشکل شد. خود آنها و بسیاری از مراکز کارگری دیگر در دل اعتراضات خود به مجامع عمومی و دخالت همه کارگران در سرنوشت خود، در همه تصمیم گیریها، متکی شدند. این مهم و حفظ اتحاد کارگران، رمز پیروزیها و دستاوردهای تاکنون کارگران از جمله در فولاد و هفت تپه است. امروز هم کارگران فولاد خوشبختانه این تجربه را تمرین میکنند و به آن متکی هستند.

اعتراضات اخیر در فولاد در دوره ای اتفاق می افتد که هر روزه شاهد اعتراض و اعتصاب کارگری در مراکز مختلف هستیم. جایی نمانده است که صدای اعتراض جمعی کارگران به استثمار و بی حقوقی بلند نشده باشد و زمین را زیر پای کارفرمایان و دولت شان داغ نکرده باشد. فولاد، هفت تپه، کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها، هپکو و معادن و آذر آب، شرکت واحد و قطار و برق و آب و شهرداری ها و صدها و صدها مرکز دیگر، هر روز در گوشه ای و در میدانی در حال جنگند. مطالبات همه بخشها بلااستثنا بهبود و افزایش دستمزد و پایان فقر و گرسنگی و بعلاوه علیه استبداد سیاسی است.

در این جدال هنوز جای صف متحد و منطقه ای و سراسری ما خالی است. این سالها البته تلاش زیادی برای حمایت بخشهای مختلف طبقه کارگر و مردم محروم از اعتراض و مبارزه کارگران مختلف و اقشار محروم انجام گرفته است. نمونه بارز این حمایت همراهی و اعلام همبستگی کارگران فولاد و هفت تپه با همدیگر بود. امروز نیز کارگران هفت تپه اعلام داشته اند که حامی رفقای خود در فولادند. این هم پیمانی و همبستگی طبقاتی گرانقدر است و

باید تعمیم یابد. امروز بیش از همیشه جنبش کارگری به حمایت و همبستگی وسیع و فرا محلی، به همبستگی و حمایت گرم منطقه ای و سراسری نیاز دارد. باید بی اما و اگر بدانیم که آینده ما و پیروی ما در مقابل کارفرمایان و جمهوری اسلامی زمانی حتمی و مسجل است که ما نیز همبسته و در کنار هم و با به میدان آوردن نیروی طبقاتی خود وارد این جدال شویم. تامین این مهم روی دوش کارگران آگاه، رهبران و فعالین جنبش ما و همه کسانی است که به این حقایق آگاه و برای پیروزی میجنگند و نقشه ای آگاهانه را در مقابل خود گذاشته اند. این کار کمونیستهای این طبقه، کار رهبران و فعالین دوراندیش و آگاه طبقه کارگر است. امروز هیچ دلیلی ندارد که حاکمین کارگران معدن را با سرکوب جنایتکارانه به عقب برانند، کارگران مبارز را از فولاد اخراج کنند، خواست و مطالبات کارگران پروژه ای را به فراموشی بسپارند، هر روز توطئه ای را در هفت تپه سازمان دهند و دهها اعتصاب و اعتراض بزرگ و کوچک کارگری را با تهدید، با فریب و حقه بازی و با وعده های دروغین جواب بدهند، صدا کارگر معترض و معلم و بازنشسته و حامی کارگر را روانه زندان کنند و هنوز ما نتوانیم در این نبرد با هم و کنار هم و در صفی واحد بجنگیم. امروز بیش از هر زمانی این امر ممکن و بعلاوه ضروری و حیاتی است. باید پا پیش گذاشت و این سد را شکست. کارگران سوسیالیست، رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر و محافل و شبکه های آنها، پیشقراولان این گام مهم و حیاتی هستند. آنها چشم و گوش طبقه کارگرند. آنها فرماندهان جنگی هستند که فولادی ها روی آن تاکید میکنند. پیروزی در این جنگ در گرو دخالت هوشیارانه این صف است. این وظیفه مهم و انسانی روی دوش ما است. باید با نقشه این جنگ را پیش برد و نیروی سراسری خود را به میدان آورد. این جنگ مقدس است! طبقه کارگر برای یک زندگی انسانی، برای خلاصی از استثمار و بردگی مزدی، برای تضمین آینده ای رفاه و سعادتمند، برابر و آزاد برای خود و نسل آتی اش راهی جز پیروزی در این جدال ندارد. برای این پیروزی باید متحد و متحزب شد، باید در حزب کمونیستی خود متشکل، متحد و متحزب شد.

۲۷ ژوئیه ۲۰۲۲

**امروز روزیست که هر کارگر و انسان
آزاده و معترضی در جامعه ایران برای
هر قدم پیشروی خود و خنثی کردن
نقشه های شوم حاکمیت دست به ایجاد
مجامع عمومی، به شوراهای کارگری و
مردمی در محل کار و زیست می زند
و به این مکانیسم های اجتماعی قدرت
متکی می شود.**

**آزادی، برابری، رفاه، برخورداری از
بهترین و پیشرفته ترین نعمات مادی و
در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن
این نظام و تنها با برقراری حاکمیت
شورایی میسر است.**

و حضور رهبران و شرکت مستقیم توده ی کارگران در مجامع عمومی و دخالت مستقیم شان در سازماندهی مبارزه را به تأخیر می اندازد.

مجامع عمومی منظم کارگری

مجامع عمومی ظرف و ابزار تعیین کننده ی اتحاد کارگران و مدرسه ی آموزش دخالت مستقیم کارگران در سرنوشت مبارزه و الگویی سر راست و غیر قابل کنترل و دخالت کارفرما و دولت در آن است. چه کسی و چه نیرویی می تواند تجمع بزرگ همه ی کارگران در مجمع عمومی را مانع شود؟ چه نیرویی می تواند این شکل اتحاد و انسجام کارگری را بر هم زند و به سرکوب و دستگیری اقدام کند. کارفرما و دولت با هر تعرض به شرکت کنندگان در مجمع عمومی کارخانه و تعقیب و بازداشت هر عضوی از مجمع با تشکیل مجمع بعدی در فردای آن روز روبرو خواهند شد. آیا نیروی سرکوب کارفرما و دولت می تواند همه ی اعضای مجمع را بازداشت کند؟ آیا دولت و کارفرما می تواند کمیته یا هیات کارگری منتخب مجمع را منحل یا ممنوع اعلام و یا تعقیب و بازداشت کند؟ نه. چرا که در فردایش باز مجمع عمومی هیات دیگری را جایگزین می کند. این شکل اتحاد معنی عملی «خرد جمعی» است. معنی عملی تأمین اراده و اتحاد جمعی است. این میزان پتانسیل و قدرت عملی را هیچ نوع تشکل و کانون و انجمن و گروه مجازی و حتی سندیکای کارگری ندارد. این که امروزه هفت تپه علیرغم فشارها و تهدیدها و سرکوب های عظیم دولت و کارفرما، سر پا ایستاده است تنها و تنها از برکت اقدام جمعی، اتحاد جمعی و خرد جمعی در مجامع عمومی کارگران این شرکت است. کل جامعه شاهد تمرکز دولت و بسیج همه ی نیرو و همه ی نهادهایش از مجلس و قوه قضاییه و صدا و سیما و نیروهای سرکوبش علیه اعتراضات و مطالبات کارگران هفت تپه، بوده و هست. اما اتحاد و رهبری عملی و حضور کارگران در مجامع عمومی این بخش از طبقه ما را سر بلند نگه داشته است. این که هفت تپه چقدر مطالباتش تأمین شده یا نه، این قدرت کارگری را کم رنگ نخواهد کرد. جدال و کشمکش طبقاتی تا زمانی که طبقه سرمایه دار حاکم است، چه در هفت تپه و چه دیگر صنایع کلیدی بزرگ و کوچک ادامه خواهد داشت. طبقه کارگر از هفت تپه و رهبران و مبارزانش و ایستادگی و اتحادش در دخالت مستقیم و جمعی همه ی کارگران در مبارزه می آموزد. این الگویی است که در میان طبقه کارگر قابل تکثیر است. با تحقق جنبش مجامع عمومی منظم در میان طبقه کارگر، ما شاهد پیشروی ها و پیروزی های شکفت انگیز این اتحاد کارگری خواهیم بود. اکنون صدای پای کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها می آید. این بخش بزرگ ترین صنایع کشور اگر به مجامع عمومی منظم و سنت شورایی مسلح شود، پوزه ی هر کارفرما و پیمانکار و هر نیرویی که بخواهد دست به سرکوب بزند را به خاک خواهد مالید. شک نکنید!

جای ایران خودرو با ده ها هزار کارگر که پس از صنعت نفت بزرگ ترین بخش صنعت و بیشترین تعداد کارگران را در خود جمع کرده است، در جدال طبقاتی برای معیشت و زندگی بهتر و علیه استبداد خالی است.

با این امید که جویبارهای جدال طبقاتی به رودخانه خروشان برای زیرو رو کردن نظام ضد انسانی سرمایه داران و دولتشان تبدیل شود.

و کارگری از پتروشیمی ها می گوید: «ما دست از کار کشیدیم تا حداقل کسانی که بیشترین سود را از این صنایع می برند، بدانند ما نباشیم، کار آن‌ها لنگ است.» این را سرمایه دارها و دولت شان می فهمند. ما را می خواهند تا از گرده مان کار بکشند و سود انباشت کنند. هدف نهایی طبقه ما بیرون کشیدن مالکیت بر زمین و مسکن و معادن و صنایع و نعمات جامعه از گلوبی این زالوها و انگل های مفتخور است. طبقه کارگر خود مالک محصول کار خود است. طبقه کارگر، جامعه و جنبش هایش را برای این هدف، برای اجتماعی کردن تولید و صنایع و همه نعمات موجود در خدمت جامعه، دور خود جمع می کند. فروریزی نظام تبعیض و ستم و استثمار و سرکوب با قدرت اتحاد طبقه کارگر و حمایت و همراهی دیگر جنبش های رادیکال اجتماعی، جامعه ای آزاد و برابر و مرفه را بشارت می دهد. جامعه ای که برابری کامل زن و مرد، کم ترین و برقراری سوسیالیسم و آزادی واقعی انسان، بیشترین دستاوردش است.

کارگران صنعت نفت با وجودی که در مراحل اولیه ی اعتراضات، تظاهرات های توده ی و تحولات انقلابی علیه رژیم شاه شرکت نداشتند، اما شروع اعتصاب سراسری و بستن شیرهای نفت نظام سلطنت را فلج کرده و زمینه ی پیروزی جنبش انقلابی را فراهم نمود. با سقوط سلطنت، کمیته های اعتصاب در صنعت نفت و بخشهایی از صنایع دیگر به شوراهای کارگری تبدیل شدند و کنترل تولید را در دستور خود گذاشتند. شوراهایی که تا سال ۱۳۶۱ در مقابل جمهوری اسلامی مقاومت کردند. با شروع جنگ ایران و عراق و نابودی بخش بزرگی از تأسیسات نفتی از طرفی و تعرض دولت ارتجاعی جدید به شوراهای کارگری و دیگر سازمان های چپ و حمله به کردستان، شوراهای سرکوب شدند. مبارزه طبقاتی به شکل اعتصابات یک دهه اخیر در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ها، هیکو، فولاد اهواز، شرکت نیشکر هفته تپه و... در حال پیشروی است و نظام کاپیتالیستی را به چالش جدی کشیده است. امروز در تداوم اعتراض و اعتصاب بخش های مختلف طبقه کارگر، کارگران صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ها آهسته اما استوار، میرود تا تجربه ی سالهای اول انقلاب ۵۷ را بار دیگر رقم بزند و گلوبی نظام کاپیتالیستی ایران را بشکند. کاسه صبر کارگران از شرایط فلاکتیار جامعه لبریز شده و کمربان زیر بار درآمد ناچیز و هزینه های سرسام آور زندگی و تورم و گرانی سازماندهی شده توسط دولت سرمایه داران به نام جراحی اقتصادی، خم شده است.

مدتی است اعتراض و اعتصابات کارگری در صنعت نفت، با اعتصاب کارگران پیمانی پروژه های نفت و گاز در مناطق جنوب برای افزایش دستمزدها و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی شروع شده است. اکنون و در ادامه ی اعتراضات پیشین، بار دیگر کارگران صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ها و همزمان صنعت فولاد اهواز، به میدان آمده اند تا مطالباتشان را به کرسی بنشانند. فساد در خصوصی سازی واحدهای صنعتی، قراردادهای موقت، نداشتن امنیت شغلی، حوادث مرگبار کار و نامتناسب بودن دستمزدها با گرانی و تورم افسار گسیخته، از جمله مسائل مورد اعتراض جنبش کارگری در ایران است.

در بیانیه های اخیر کارگران آمده: «افزایش دستمزد فقط مطالبه ما کارگران نفت نیست، می دانیم که همه کارگران، معلمان، بازنشستگان و حقوق بگیران جامعه معضل کمر شکن معیشتی دارند و گرسنگی خانواده هایمان را تهدید می کند. پس ما به بیشترین حمایت ها از همدیگر نیاز داریم.»

جامعه چشم انتظار رهبری واحد جدال طبقاتی است. معلمان، بازنشستگان و مبارزه ی زنان علیه تبعیض جنسی دهه ها است با رژیم دست و پنجه نرم می کنند. اما عرصه ای که نظام سود سرمایه را به خطر می اندازد و دولت سرمایه داران را خلع سلاح می کند، جنبش کارگری است.

امروز خرد جمعی که اسم رمز مجامع عمومی منظم کارگری است پیش پای طبقه کارگر بطور کلی قرار گرفته است. فعالین و رهبران عملی به این شکل اتحاد کارگری توجه جدی کرده اند. اما هنوز بجز در هفت تپه بطور عملی برای دامن زدن و گسترش جنبش مجامع عمومی منظم کارگری و سنت شورایی کام های جدی برداشته نشده است. این بزرگ ترین کمبود در جنبش کارگری است. طبقه کارگر تا کنون توانسته چند دهه زنجیر شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر بر دست و پای خود را پاره کند. طبقه کارگر امروز به یمن سال ها تلاش کارگران هفت تپه، الگوی شورایی بر پایه مجامع عمومی را در کارنامه دارد. طبقه کارگر در مقابل انتخاب سرنوشت سازی قرار گرفته است. جنبش مجامع عمومی منظم کارگری در میان همه ی بخش های طبقه کارگر و همه صنایع بزرگ و کوچک، می تواند توازن قوا را به نفع خود، به نفع جامعه و به ضرر کارفرماها و دولت تغییر دهد. بعلاوه اتحاد طبقاتی کارگری در مجامع عمومی و هیات های نمایندگی منتخب کارگران، نه تنها مطالبات طبقه کارگر را به کرسی می نشاند، بلکه به حامی و پشتیبان جنبش های اجتماعی دیگر، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و جنبش زنان تبدیل می کند. شعار «کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما» می تواند بار دیگر به شعار جنبش های توده ای تبدیل شود. جامعه، جایگاه و قدرت طبقه کارگر را به دلیل اینکه شاهرگ حیات سرمایه داری و دولت یعنی اقتصاد و تولید را در دستان خود دارد و می تواند هر دولتی را به تسلیم کشانده و به زانو در آورد، برسمیت می شناسد.

کانون ها، انجمن ها و گروه های مجازی

ما می دانیم و خود کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به این واقعیت واقفند که تلاش شان برای احیای سندیکا به نتایج ملموس نرسید. شاید هنوز این تلاش وجود دارد که ایرادی ندارد اما دورنمای روشن نیست.

در نتیجه ی اعتراضات سال قبل، در پارس جنوبی و در میان حدود ۱۵ هزار کارگر عسلویه و اطراف، تلاش برای تشکیل سندیکا، کانون و انجمن های مستقل صورت گرفت، اما این تلاش ها هم به نتیجه نرسید. در مقابل، ما شاهد انواع و اقسام انجمن ها، کانون ها و گروه های مجازی... هستیم. بوجود آمدن این گروه ها هم بخودی خود ایرادی ندارد و مفید هم هست. اما نه سندیکا و نه گروه های مجازی با هر اندازه دوستداران و شرکت کنندگان، نمی تواند جای تشکل و اتحاد قدرتمند واقعی کارگران در مجامع عمومی و حضور رهبران و نمایندگان واقعی «نه مجازی» در میان کارگران را پر کند. چه بسا توهم به ایجاد سندیکای مستقل و شیوه و روش های مجازی در تداوم خود، تشکل واقعی



تحلیلگران سیاسی مختلف، به جای نشان دادن علت واقعی این مسئله، برخورد بی طرفانه عراق به اختلافات منطقه ای را دلیل دیپلماسی فعال این کشور محسوب کرده و نقش و موقعیت مهم عراق نزد همسایگان را نشان مخاطبین خود میدهند.

این ادعا می تواند توضیح دهد که اگر دیپلماسی عراقی نزد حاکمان منطقه موجبات نزدیکی آنها را موجب میشود، چرا جناح های حاکم بر عراق برای درمان درد خویش، ناتوان از کاربرد این ظرفیت اند. این چه ظرفیتی است که در درون عراق هیچکاره و ناتوان و خارج از عراق مبشر تنظیم یک رابطه نرمال بین طرف های متعدد با تاریخی طولانی از کشمکش با هم است؟

تحلیلگران ساده اندیش متوجه تحولات مهم در منطقه نیستند؛ مهم ترین این تحولات، شکست امریکا در منطقه است. حضور امریکا در منطقه، برای یک دوره طولانی از بعد از به خون کشیدن کل خاورمیانه در ابعاد وسیع، آرامش را از جوامع مختلف گرفته بود؛ بخش وسیعی از کشورهای منطقه را به جنگ های نیابتی کشانده بود، اختلافات قومی و مذهبی در کشورهای مختلف بین مردمی که سالها در کنار هم همزیستی داشتند، دامن زده بود، سازماندهی جنگ های خونین به بهانه مبارزه با تروریسم را پیش برده بود. کشاندن دول مختلف به این جنگ ها و در مت آن، پیشبرد نقشه خاورمیانه بزرگ در جهت تامین یک منطقه امریکایی با مرکزیت اسرائیل را نقشه پیشروی های خود کرده بود.

اعلام عقب نشینی امریکا از منطقه به دنبال شکست پشت شکست، طنابی که بر گردن جوامع منطقه انداخته شده بود، پاره شد.

جامعه عراق جزو ویران ترین های منطقه در کنار سوریه و افغانستان و لیبی و بقیه است. کل جوامعی که هدف حملات خونین امریکا بودند، میدان رشد انواع قارچ مذهبی و قومی شدند. به همین دلیل، در تقریبا هیچکدام از این کشورها، علیرغم فرار امریکا، به دلیل بقای انگل های مذهبی و قومی و نژادی، زندگی هنوز در دستان باندهای مختلف اسیر است. اگر کشور عراق در راس آن بورژوازی این کشور ناتوان از سازماندهی یک حاکمیت به اصطلاح متعارف بورژوازی است، ناشی از نقش جریاناتی است که در دوره حضور امریکا در منطقه یک شبه دولت و قدرت و صاحب ملیشای هار خود شدند. اگر در عراق یک روز ملیشای مقتدا صدر مانع آرامش است و روز دیگر ملیشای حشدالشعبی خیابان ها را قرق می کند و در کشور قدرت بین انواع باندهای مختلف تقسیم شده است، به همین دلیل است. اینجاست که رمز ابتکارات دیپلماسی عراقی برملا میشود؛ باندهای مختلف قدرت به قدرت های اصلی دوران جنگ نیابتی، به جمهوری اسلامی و عربستان و بقیه وصل اند. نتیجه این میشود که تا زمانی که آثار و عوارض دوران جنگ نیابتی بین این قدرت ها رفع نشود، بورژوازی در عراق ناتوان از سازماندهی جامعه زیر سلطه خویش است. راه اندازی هیات های مختلف توسط ناسیونالیست های عراقی، برای کمک به تامین روابط نرمال قدرت های برتر منطقه، شرط پیشروی ناسیونالیسم عراق در امر سازماندهی یک دولت و حاکمیت متحد سیاسی است.

مسئله فقط نیاز بورژوازی ناسیونالیست عراقی به دولت خویش نیست؛ در غیبت تمایل عربستان و جمهوری اسلامی برای حل مشکلات دوران جنگ نیابتی، هر ابتکار عراقی یا غیر عراقی خلق شدنی نیست. نه فقط عربستان و جمهوری اسلامی، بلکه تمام بورژواهای حاکم منطقه میدانند در نبود امنیت و آرامش در منطقه، ورود سرمایه به یک خاورمیانه جنگ زده ممکن نیست. به همین دلیل، کل اینها بطور اتوماتیک بسوی یک همزیستی دور از خصومت خیز برداشته اند. اینجاست که هر دیپلماسی عراقی و غیرعراقی میتواند پر مشتری و موثر واقع شود.

یک سوال حاشیه ای میتواند مربوط به نقش اسرائیل و سرنوشت پیمان ابراهیم باشد؛ پیمان ابراهیم به دلایل متعدد شکست خورد و رفت؛ اولاً این سیاست محصول ابتکار امریکا برای شکل دادن به یک قطب سیاسی نظامی حول اسرائیل بود. در حالیکه صاحب طرح گور خود را گم کرده است، چرا عربستان و کل دنیای عرب، در غیبت امریکا خود و پیشرفت و امنیت خود را به حضور اسرائیلی گره بزنند که امریکا را هم در کنار خویش در منطقه ندارد؟ فاکتور دخیل دیگر شکست ناتو و کل غرب در جنگ اوکراین، در مقابل رسیده است. این شکست نه فقط شکست امریکا بلکه شکست کل غرب در هیئت ناتو خواهد بود. علت دیگر شکست آن پیمان، نفرت عمومی مردم منطقه از یک

موجدیت فاشیست و نژادپرست است که شورش را و طغیان آفرین است، که به نوبت خود مانع شکل گیری جزایر آرام برای سرمایه است. آرامش در خاورمیانه برای سرمایه، بدون حل مسئله فلسطین یک غیرممکن است، اما این مسئله در دستور این یادداشت نمی گنجد.

تاثیر شکل گیری آرامش در منطقه بر توازن قوای طبقاتی اگر تمام فاکتورهای موثر در سوخت و ساز سیاسی منطقه ثابت و یا خنثی در نظر گرفته شوند، بورژوازی در منطقه مد نظر تنها طرف ذینفع در شرایط آرام منطقه نیست. بسته شدن دکان فرقه های قومی و ملی و مذهبی، در هر کجای این کره خاکی، بخشی از موانع پیشروی مبارزه طبقاتی را رفع کرده است. دور شدن جنگ و خونریزی و حضور امنیت در زندگی، مستقیماً به نفع دور شدن رعب و وحشت از محیط زندگی و مستقیماً به نفع بالا رفتن توقعات جامعه است.

بعلاوه و بویژه مردم در لبنان و عراق، از قبل علیه حاکمیت دار و دسته های قومی و مذهبی اعلام جنگ کرده و در هر دو کشور برای آن خون ریخته شده و جان ها باخته اند. در ایران که مبارزه طبقه کارگر و مردم ستمدیده قدم های برجسته ای به جلو برداشته است، در غیبت رعب، وحشت و ناامنی، مستقیماً به پتانسیل های شان می افزاید.

این فاجعه غیر قابل کنترل نبود!

(در مورد سیل در شهرستان استهبان)

متاسفانه عصر روز جمعه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۱ برابر با ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۲ با بارندگی شدیدی در شهرستان استهبان و طغیان رودخانه رودبال ۲۲ نفر جان خود را از دست داده اند. آمارهای مختلفی در مورد مفقود شدگان در این ماجرا بیان شده است. بر اساس اخبار منتشره شده مردم تعدادی از روستاهای مسیر رودخانه رودبال دچار خسارات زیادی شده اند.

خبرگزاری های رسمی جمهوری اسلامی به روال همیشگی بر «تلاش» روسای خود در محل، فعالیت «جدی» واحد های امداد رسانی، بسیج سپاه و نیروی انتظامی برای «کمک» به مردم محل و... پرداخته و از این فاجعه به نام «وقایع طبیعی که قابل پیش بینی نیست» و «غافل گیرکننده» نام برده اند. اما بر خلاف این ادعاهای کذب، با رشد امکانات و علم، علاوه بر اینکه تشخیص بارندگی های شدید امری پیش پا افتاده است، بعلاوه کنترل سیل و دست زدن به اقدامات پیشگیرانه از بدیهی ترین اقداماتی است که میتوان انجام داد و مانع چنین فجایع انسانی شد.

ادعاهای رسانه ها و مقامات جمهوری اسلامی در خصوص سیل شهرستان استهبان و اقدامات و برخورد مسئولان آنها که طبق گفته خودشان حداقل جان ۲۲ نفر را گرفته است، بی شرمانه و کذب است. این اولین بار نیست چنین اتفاقاتی که میتوان پیش بینی و کنترل کرد، به فاجعه ای انسانی تبدیل میشود. سیل و زلزله که هر ساله جان صدها انسان را در ایران میگیرند، عده ای خانه و کاشانه خود را از دست میدهند و آواره و خانه بدوش میشوند، امروز و در همین نظامهای سرمایه داری در بسیاری از کشورها کمترین تلفات را دارند. بعلاوه بعد از هر فاجعه ای از این قبیل حاکمیت به نام «واقعه طبیعی» و «غیر قابل کنترل» و «بلا آسمانی»، از زیر بار ابتدایی ترین مسئولیت در قبال خساراتی که به مردم وارد شده، کمک به خانواده هایی که آواره و بی خانمان شده، کسانی که عزیزان خود را از دست داده اند، سرباز میزند.

مردم در ایران، از بازماندگان قربانیان زلزله، سیل و ... تا مردمی که برای امداد به یاری هموعان خود میروند، حق دارند انگشت اتهام را نه به سوی طبیعت که به سوی حاکمیتی نشانه برونند که چهل و چند سال است مانند طاعون خود را به این جامعه تحمیل کرده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن ابراز تاسف از این ماجرا و تسلیت به خانواده و بستگان قربانیان، جمهوری اسلامی را مسئول مستقیم این فاجعه میدانند. اینبار هم امداد، یاری رسانی و نجات مردمی که در اثر سیل زندگی و کاشانه خود را از دست داده اند روی دوش ما بود. مانی که سالهاست آموخته ایم عمق انساندوستی مان را با اتحاد و همیاری و کمک رسانی به هموعان خود به جهانیان نشان دهیم.

تا زمانی که این حاکمیت روی کار است، قربانی گرفتار از مردم محروم هر روز به دلیلی بخشی از زندگی مردم در ایران است. فقر و بی حقوقی و گرانی، جنایت و استبداد و همزمان سیل و زلزله و کرونا و عدم جوابگویی حاکمیت همگی به بلا جان مردم تبدیل شده اند. راه نجات واقعی و کم دردمر به گور سپردن جمهوری اسلامی و بدست گرفتن سرنوشت جامعه توسط طبقه کارگر و مردم آزادبخواه ایران است.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی



نینا

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نینا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نینا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioeena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena